

# بررسی مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در آن

محمد جهانتاب  
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

## چکیده

قدرت توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی است. اقتدار، قدرت شروع است که مشروعیت خود را بر اساس دین، قانون، سنت و ... به دست می‌آورد. اقتدار ملی بر آئیند و ماحصل قدرت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، علمی و فناوری مشروع است. مسئله مورد نظر، این است که مؤلفه‌های فرهنگی یا مؤلفه‌های قدرت فرهنگی به عنوان یکی از عناصر و عوامل اقتدار ملی کدام‌اند و نقش یا وظیفه نیروهای مسلح در این امر چیست. برای پاسخ‌گویی به این مسئله باید مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در رابطه با مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی مشخص گردد. به این منظور داده‌های مورد نظر با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار ملی، دینی، وحدت ملی و هویت ملی تعیین گردیده و پس از اخذ نظریه خبرگان، این مورد به عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر اقتدار ملی مورد قبول واقع شده است. سرانجام با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا و با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین مصوب، به تعیین نقش نیروهای مسلح در اقتدار ملی پرداختیم. نتیجه‌ی اصله حاکی است مهم‌ترین نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه‌ی مربوطه در مؤلفه دین، نقش ارتش بر اساس قانون اساسی و قانون ارتش در مؤلفه هویت ملی و نقش نیروی انتظامی نیز در مؤلفه هویت ملی است.

## کلید واژه‌ها

قدرت (Power)، اقتدار (Authority)، اقتدار ملی (National authority)، فرهنگ (Culture)، مؤلفه‌های فرهنگی (Cultural factors)، دین (Religion)، وحدت ملی (National unity)، هویت ملی (National identity)، نیروهای مسلح (Armed Forces)، نقش (Role).

## مقدمه

در جهان امروز، موفقیت و پویایی هر نظام در گرو توجه دایم آن به بسترسازی، تعدیل سیاست‌ها و برنامه‌ها، تطبیق سیاست‌ها و برنامه‌ها با تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و فناوری در مقیاس جهانی و بهره‌برداری از فرصت‌ها و تصمیم‌گیری صحیح در دوران بحرانی است. این امر با توسعه پدیده جهانی شدن از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. به طوری که کشورهای امپریالیستی و استعمارگر در قالب پدیده جهانی‌سازی و با تضعیف اتحاد ملی، تقویت قوم‌گرایی، ترویج سکولاریزم، حذف دین رسمی به عنوان سمبل وحدت ملی، تضعیف حاکمیت ملی و دخالت در امور داخلی کشورها از راه نهادهای اقتصادی و سازمان‌های بین‌المللی، و کم‌کردن تعلقات ملی و تابعیت سیاسی افراد، سبب توسعه تجارت، ترویج مظاهر فرهنگ و تمدن غرب و از هم‌گیسختن تمدن و فرهنگ‌های سنتی و بومی از طریق تهاجم فرهنگی همه‌جانبه گردیده‌اند.

بدین ترتیب اهمیت و جایگاه فرهنگ و قدرت فرهنگی در اقتدار ملی یک کشور مشخص می‌شود. از طرف دیگر قدرت نظامی نیز به عنوان یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر اقتدار ملی از دیرباز مطرح بوده است. نیروهای مسلح به عنوان بخش اصلی و اساسی قدرت نظامی، در روند شکل‌گیری و توسعه جامعه بر حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی و فناوری به طور فعال و گسترده نفوذ دارند.

## مسئله تحقیق

اقتدار با قدرت متفاوت است و گونه‌ای خاص از قدرت تلقی می‌شود. اقتدار هنگامی حاصل می‌گردد که توانایی‌های مادی و معنوی فرد، گروه و یا نظام در نوع رابطه‌اش با دیگران افزایش یابد و امکان اعمال قدرت مشروع در زمان و مکانی مناسب و نیل به هدف مورد نظر را میسر سازد. پس اقتدار، قدرت مشروع است که مشروعیت خود را براساس دین، قانون، سنت و ... به دست می‌آورد.

اقتدار، برآیند و ماحصل قدرت‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، علمی و فناوری مشروع مسئله‌ای که در این تحقیق مدنظر می‌باشد، این است که: مؤلفه‌های فرهنگی یا مؤلفه‌های قدرت فرهنگی به عنوان یکی از عناصر و عوامل اقتدار ملی کدام‌اند و نقش یا وظیفه نیروهای مسلح در این امر چیست؟

## اهداف تحقیق

هدف‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- تعیین مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی؛
- ۲- تبیین نقش و وظیفه نیروهای مسلح در مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی.

## سوالات تحقیق

سوالاتی که در این تحقیق مطرح می‌باشد عبارت‌اند از:

- ۱- مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی کدام‌اند؟
- ۲- نقش نیروهای مسلح درباره مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی چیست؟

## مبانی نظری

### ۱. قدرت

یکی از مفاهیم سیاسی است که قدمتی بیش از مفهوم و ظهور دولت دارد و هم‌زمان با آفرینش است. دیدگاه‌های مختلفی در مورد قدرت وجود دارد که دیدگاه مبتنی بر سنجش و ساختار قدرت قابل ذکر است (مطهرنیا، ۱۳۷۸: ۷۸).

**الف - دیدگاه مبتنی بر سنجش قدرت:** صاحب‌نظران دیدگاه مبتنی بر سنجش قدرت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: کسانی که معتقد به کمیت‌پذیری قدرت هستند و افرادی که اعتقاد به رابطه‌ای بودن قدرت دارند.

۱) **کمیت‌پذیری قدرت:** محققانی که به قدرت به عنوان پدیده‌ای «کمیت‌پذیر» می‌نگرند، قدرت را به عنوان ظرفیت به کنترل (حرکت) درآوردن توده‌های مقاوم در فاصله معین و در زمانی مشخص تعریف می‌کنند. در کنه دیدگاه کمیت‌نگرها، امکانات مادی یا منافع مادی قدرت دارای ارزش بیش‌تری است. اصلاً کمیت‌نگرها، بیشتر به منافع قدرت به عنوان «تجلی قدرت» توجه دارند تا به بازتاب قدرت در اجتماع، به همین جهت است که برتراند راسل<sup>۱</sup> قدرت را «پدید آوردن آثار مطلوب» آ.آ.چ. تونی<sup>۲</sup> [قدرت را] «توانایی فرد یا گروه» می‌دانند و رابرت دال<sup>۳</sup> سعی در فرمولیزه کردن «قدرت» دارد (همان منبع: ۷۹).

۲) **رابطه‌ای بودن قدرت:** ارتباط‌گراها به عکس کمیت‌نگرها بر منافع قدرت تأکید چندانی ندارند. بلکه در نظر آن‌ها بیشتر استفاده‌ای که از این منابع جهت تحت کنترل در آوردن دیگران به عمل می‌آید، مهم است؛ به عبارت دیگر برای گروه نخست ملزومات قدرت اهمیت دارد و برای گروه دومکانیسم اجرای قدرت دارای اهمیت می‌باشد. نمونه بارز این طرز فکر، تفکر ماکس وبر<sup>۴</sup> و مورگنتا<sup>۵</sup> است.

**ب - دیدگاه مبتنی بر ساختار قدرت:** در این دیدگاه به ساختار و عملکرد قدرت توجه می‌شود و صاحب‌نظران دیدگاه مبتنی بر ساختار قدرت را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد کسانی که معتقد به ابزارگرایی قدرت هستند و افرادی که اعتقاد به کارکردگرایی قدرت دارند.

1. Bertand Ressel  
3. Robert Dall  
5. Morgenta

2. R.H.Toenni3  
4. Max Weber

۱) **دیدگاه ابزارگرایانه:** ابزارگرایان همانند کمیت‌گرایان در کمی کردن قدرت نمی‌کوشند، بلکه بیشتر به ابزار شیوه‌های استفاده از آن‌ها در کنترل دیگران نظر دارند. این عده از محققان به قیاس فیزیکی قدرت چندان توجهی نکرده‌اند، بلکه به قدرت به عنوان توان به دست آوردن کنترل دیگران با استفاده از ابزار مناسب یا هر وسیله ممکن و توجه خاص به آن ابزار نظر افکنده‌اند. بهترین نمونه ابزارگرایی در قدرت را می‌توان در گفتهٔ مائوتسه تونگ<sup>۱</sup>، رهبر انقلاب چین، جست‌وجو نمود که می‌گوید: «قدرت از لوله تفنگ می‌آید» (همان منبع: ۸۵).

۲) **دیدگاه کارکردگرایانه:** کارکردگرایان با ارتباط‌گرایان وحدت نظر فراوان دارند، اما ارتباط‌گرایان تنها به تأثیرات یکسویهٔ قدرت از فرا دست به فرو دست نظر دارند و با دیدی مکانیکی یا بهتر بگوییم یک بعدی تنها تأثیر قدرت را بر کسانی که قدرت بر آن‌ها اعمال شده مورد توجه قرار می‌دهند. حال آن که کارکردگران به تأثیرات همه جانبهٔ اعمال قدرت بر کل جامعه و تأثیر متقابل دارنده و پذیرندهٔ قدرت توجه مبذول می‌دارند. از صاحب‌نظرانی که به کارکردگرایی قدرت اعتقاد دارند، تالکوت پارسونز<sup>۲</sup> می‌باشد.

ج) **قدرت از دیدگاه اسلام:** در بینش اسلام منشأ قدرت از آن خداست. براساس اعتقاد توحیدی خداوند، رب و صاحب اختیار هستی و انسان‌هاست. والله علی کل شیء قدیر: خدا بر همه چیز توانا می‌باشد (آل عمران، آیه ۱۸۹)، لذا تحمیل اراده و تصرف در امور مخلوقات باید با اذن خداوند صورت گیرد. هیچ‌کس حق مالکیت و دخالت در امور افراد و تحمیل اراده بر دیگری را، حتی اگر مجرم باشد، ندارد؛ مگر آنکه از طرف خداوند به او اجازه داده شده باشد. (نوروزی، ۱۳۷۹: ۱۳۶). در تفکر سیاسی اسلام قدرت در دولت اسلامی امانت الهی است؛ زیرا حاکم و رئیس دولت اسلامی، خلیفهٔ خداوند و جانشین پیامبر اکرم (ص) است و او وارث این امانت می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۲۰۰).

۱) **قدرت در اندیشهٔ سیاسی حضرت امام (ره):** سیر قدرت سیاسی در اندیشهٔ سیاسی امام (ره) را به شکل زیر می‌توان بیان کرد:  
اول) تعلق قدرت به طور کامل به خداوند متعال، که به دو صورت ولایت تکوینی و تشریحی جریان می‌یابد.

دوم) تعلق قدرت به ارادهٔ الهی، جهت ادارهٔ امور بشری در جوامع این قدرت از طریق نبوت بر روی زمین جاری شده و پیامبران با این هدف که به حیات بشری در ابعاد مختلفش نظم و نسق بخشند، از سوی خداوند متعال به جانب مردم برانگیخته شده‌اند. سوم) با اتمام دورهٔ نبوت، مجال و عرصهٔ تازه‌ای گشوده می‌شود که شیعه از آن به امامت یاد می‌کند. بر این مینا امامت با بهره‌مندی از دو ویژگی بارز «علم لدنی و عصمت» چونان مسیری مطمئن برای سیر قدرت سیاسی در بطن تاریخ به حساب

می‌آید.

چهارم) با فرارسیدن عصر غیبت، نظریه‌های مختلفی برای نحوه اداره جامعه اسلامی ارائه می‌گردد که از این میان نظریه ولایت فقیه از آن حیث که ارتباط مطمئنی بین دو عصر غیبت و حضور برقرار ساخته از خلوص و اعتبار ارزشی بیشتری برخوردار است و بدین ترتیب قدرت حاکم اسلامی در عصر غیبت، که همان ولی فقیه می‌باشد، به طور مستقیم و بلاواسطه به دو جریان به هم پیوسته «امامت نبوت» مرتبط می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۰: ۸۳).

۲) **قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:** هر چند در قانون اساسی مستقیماً به قدرت پرداخته نشده است، لیکن با تحلیل برخی از مفاد اصول قانون اساسی، ویژگی‌های قدرت را از این دیدگاه می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

الف - قدرت از آن خداست؛

ب - قدرت به معنای تحمیل اراده و سلطه‌گری نیست؛

ج - مسیر قدرت از خداوند شروع می‌شود.

## ۲. انواع قدرت

مهم‌ترین انواع قدرت عبارت‌اند از:

الف - **قدرت سیاسی**

بسیاری از متفکران سیاسی غرب معتقدند قدرت سیاسی توانایی نهایی کنترل رفتار و اعمال دیگران است. عوامل متعددی از جمله محرک‌های سیاسی، طبیعی (سیل، زلزله و آتشفشان)، سیاسی - انسانی، و سیاسی - اجتماعی (طبقات متشکل، گروه‌های اقشار، انجمن‌های نژادی و فرهنگی) در فرآیند پیچیده قدرت سیاسی مؤثرند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ثبات سیاسی، شکل حکومت، کیفیت رهبری، مشارکت سیاسی و اعتبار ملی. (قوام، ۱۳۷۳: ۱۳۴).

ب - **قدرت اقتصادی**

قدرت اقتصادی توانایی تولید پویای محصولات مورد نیاز، توزیع و مصرف مناسب ثروت‌های مادی در محیط ملی و امکان حضور و رقابت اقتصادی در صحنه بین‌المللی می‌باشد. شاخص‌های قدرت اقتصادی عبارت‌اند از: تولید ناخالص ملی، رشد سالیانه، کیفیت جمعیت و نیروی انسانی، منابع کانی، میزان تورم، میزان سهم از تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی، مالیات‌ها و تعرفه‌ها و نحوه تولید (تک محصولی یا چند محصولی).

ج - **قدرت علمی و فناورانه**

قدرت علمی، توانایی تولید دانش، تربیت منابع انسانی ماهر و فناوری برای تحقق اهداف مربوطه می‌باشد. شاخص‌های قدرت علمی چنانچه، در تعریف آن مستتر است، عبارت‌اند از: تولید دانش، منابع انسانی ماهر و فناوری در چهار حوزه بیوتکنولوژی، نانوتکنولوژی، فناوری مواد و فناوری اطلاعات. پس از انقلاب‌های کشاورزی و صنعتی،

اینک انقلاب علمی و فناوری که سرشتی چند رشته‌ای دارد، در حال تغییر سیمای جهان است. آینده‌پژوهان معتقدند روند پیشرفت و تکامل جهانی فناوری در چهار حوزه ذکر شده، جهان سال ۲۰۱۵ میلادی را شکل می‌دهند (آنتون و دیگران، ۱۳۸۰).

#### د- قدرت نظامی

عبارت است از: تمامی نیروهای مسلح همراه با سایر عناصر قدرت ملی از قبیل قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی و توانایی کشور در به کار بردن نیروهای مسلح برای پشتیبانی از سیاست ملی.

**نیروهای مسلح:** نیروهای مسلح یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نظامی هستند. منظور از نیروهای مسلح، نیروهای زمینی، دریایی، هوایی و پلیس است که وظیفه آن‌ها به طور اعم پاسداری از امنیت داخلی کشور و به طور اخص دفاع از مرزها و جنگیدن با دشمن خارجی است.

در حال حاضر نیروهای مسلح عبارت‌اند از: ارتش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی. ارتش به مجموعه ستاد مشترک ارتش، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و سازمان‌های وابسته به آن‌ها اطلاق می‌گردد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مجموعه ستاد کل مشترک سپاه، نیروهای زمینی، هوایی، دریایی، مقاومت، قدس و سازمان‌های وابسته به آن‌ها گفته می‌شود.

نیروی انتظامی، که در سال ۱۳۷۰ از ادغام کمیته انقلاب اسلامی، شهربانی، ژاندارمری و پلیس قضایی تشکیل شده، در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور است (قربانی، ۱۳۷۵: ۵۷).

#### ه- قدرت فرهنگی:

قدرت فرهنگی عبارت است: توان استفاده از عقاید، الگوهای رفتاری، هنر، سنت‌ها و ویژگی‌های فکری و ... برای تحقق اهداف مورد نظر و مقابله با تهاجم فرهنگی.

#### و- قدرت ملی:

قدرت ملی ظرفیت کلی یک کشور در دستیابی به منافع ملی و یا به عبارت دیگر مجموعه نیروهای مادی و معنوی یک ملت است. قدرت ملی برآیند و ماحصل انواع قدرت است. **مؤلفه‌های و عناصر قدرت ملی:** با بررسی نظریه‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در مورد عوامل و مؤلفه‌های قدرت ملی، مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت ملی عبارت‌اند از: قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت علمی و قدرت فرهنگی.

### ۳. اقتدار

اقتدار به معنای قدرت، توانایی و قوت می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۱۳). مفهوم قدرت و اقتدار متفاوت است. مک آیور<sup>۱</sup> معتقد است: اقتدار یعنی قدرت بالفعل، یعنی مستلزم

اطاعت کردن می‌باشد. قدرت به خودی خود اقتدار نیست، بلکه مدعی اقتدار است. مقصود از اقتدار، حق مستقری است که در هر نظام اجتماعی برای تعیین خط‌مشی آن جامعه، اظهارنظر در مسائل مربوط به آن، رفع مناقشات و به طور کلی برای رهبری و هدایت دیگر مردمان وجود دارد. وقتی از اقتدار سخن می‌گوییم، مقصود شخص یا هیئتی است که این حق را دارد. در اقتدار تأکید بر حق است نه قدرت (مک‌آیور، ۱۳۴۴: ۱۰۰). تالکوت پارسنز معتقد است: «آمریت آن جنبه از مقام در یک سازمان اجتماعی است، یعنی جنبه اجتماعی آن که اعتبار آن متصدی به طور مشروع در موقعیتی قرار می‌گیرد و تصمیماتی اتخاذ می‌کند که نه تنها برای خودش بلکه برای کل اجتماع، در نتیجه برای اعضای سایر واحدها، نیز الزام‌آور است.» (لوکس استیون، ۱۳۷۲: ۶ و ۱۶۵).

#### الف - اقتدار ملی

به قدرت دارای مشروعیت، که از ناحیه یک حکومت در یک کشور برای تأمین و تحقق اهداف و منافع ملی آن کشور اعمال می‌گردد، اقتدار ملی گفته می‌شود. اقتدار ملی برآیند ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی همراه با حفظ شرافت‌های انسانی است که می‌تواند باعث اعتلا و سربلندی آن جامعه در عرصه داخلی و بین‌المللی شود و امکان توطئه، تطمیع و تجاوز را از بیگانگان بگیرد (سازمان عقیدتی و سیاسی ناجا، ۱۳۸۲: ۱۹).

#### ب - مؤلفه‌ها و عناصر اقتدار ملی

مؤلفه‌های اقتدار ملی همان مؤلفه‌های قدرت ملی (قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت علمی و قدرت فرهنگی) می‌باشند که دارای مشروعیت هستند.

#### ۴. فرهنگ

فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگر است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد (ادیبی، ۱۳۳۵). تاکنون تلاش‌هایی برای طبقه‌بندی کردن تعریف‌های مختلف فرهنگ انجام شده است. یکی از معروف‌ترین این کوشش‌ها توسط آل کرو برو<sup>۲</sup> و کلاید کلاک هون<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۲ میلادی در کتاب «نقدی بر مفاهیم و تعاریف» انجام شده است. این دو محقق، ۱۶۴ تعریف از فرهنگ را در چهار دسته کلی ارائه کرده‌اند (سلیمی، ۱۳۷۹: ۴). با استفاده از این کتاب داریوش آشوری تعریف‌های فرهنگ را در شش دسته «تعریف‌های تشریحی یا توضیحی، هنجاری، تاریخی، روان‌شناختی، ساختی و تکوینی یا ژنتیکی بیان کرده است (آشوری، ۱۳۷۳: ۱۵ و ۱۶).

در کتاب فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر تعریف‌های فرهنگ در سه دسته

1. Tolcott parsons  
3. c.celak Houn

2. L. crobero

کلی گنجانده شده است (سلیمی، ۱۳۸۵: ۷)، که عبارت‌اند از:

**الف - فرهنگ و مثابهٔ رشد و تعالی جامعه**

متفکران کلاسیک و گروهی از متفکران ایرانی و اسلامی فرهنگ را به معنای نشانه و نمود معنوی رشد و پیشرفت یک جامعه به کار می‌برند. از دیدگاه این عده فرهنگ، خصوصیتی است که یک جامعه در زمان گام گذاشتن به مسیر اعتلا کسب می‌کند. در مهم‌ترین تعریف‌های کلاسیک متفکران از فرهنگ می‌توان به تعریف ارسطو از فضیلت نام برد.

ژان ژاک روسو<sup>۱</sup> نیز فرهنگ را مولود عقل می‌داند و پیدایش عقل را مقدمه پیدایش فرهنگ. از دیدگاه او فرهنگ ریشه در قابلیت‌های انسان و تکامل جویی او دارد.

از نظر هگل نیز فرهنگ نمودار ارتقای جامعهٔ انسانی به سطحی متعالی و دستیابی انسان به آزادی و کمال است. تی.اس.الیوت<sup>۲</sup>، شاعر مشهور انگلیسی، فرهنگ را در رجهٔ اول رسم زندگی یک ملت می‌داند که با مذهب آن درآمیخته است (الیوت، ۱۳۶۹: ۳۳). در میان نویسندگان متأخر محمدعلی اسلامی ندوشن نیز فرهنگ را به معنای نتیجهٔ رشد و تعالی انسان و نشانهٔ کمال او به کار برده است.

**ب- تعریف‌های نظری از فرهنگ**

در این تعریف‌ها با شناخت نهادها و عناصر تشکیل‌دهندهٔ کلیتی به نام فرهنگ، به تعریف آن پرداخته می‌شود؛ به عبارت دیگر به گروهی از نهادهای اجتماعی، پدیده‌ها و فعالیت‌های علمی انسان‌شناسان قرن نوزدهم باز می‌گردد (سلیمی، ۱۳۷۹: ۱۷).

مهم‌ترین صاحب‌نظران این گروه می‌توان از گوستاو کلم<sup>۳</sup> در قرن نوزدهم نام برد. او توسعهٔ تدریجی نوع بشر را با مطالعه بر روی نحوهٔ تحول آداب و سنن، مهارت‌ها، هنرها، ابزار و اعمال مذهبی در میان مردم و قبایل مختلف توصیف کرده است. در این گروه می‌توان به نظر مالدینوسکی<sup>۴</sup> در مورد فرهنگ پرداخت. او معتقد است که فرهنگ شامل دست ساخته‌ها، محصولات، فرایندهای تکنیکی، اندیشه‌ها، عادات و ارزش‌های یک جامعه است که البته این عناصر مجزا همگی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.

**ج- برداشت‌های نمادگرایانه از مفهوم فرهنگ**

انسان با نمادسازی، معانی مورد نظر خود را نشانه‌گذاری کرده موجودیت می‌بخشد و امکان جاری ساختن این معانی و مبادلهٔ آن‌ها را فراهم می‌سازد. زبان، مهم‌ترین جلوهٔ فعالیت انسان در نمادسازی است. صاحب‌نظرانی که در این گروه قرار دارند، فرهنگ را مجموعه‌ای از نمادهای مشخص موجود در یک جامعه می‌دانند؛ نمادهایی که نه فقط از راه پژوهش تجربی، بلکه از طریق تأویل، تفسیر و ادراک معانی مندرج در آن‌ها قابل شناخت هستند. این طرز تفکر همراه با پست مدرنیسم و نطه‌های جدید فکری متولد

1. Jean Jacques Rousseau

2. T.S. Eliot

3. Goustavcelm

4. B.Mlinouski



شده است.

تعریف لسلی وایت<sup>۱</sup> (یکی از صاحب‌نظران این گروه) از فرهنگ چنین می‌باشد: فرهنگ عبارت از سازمان پدیده‌ها، کنش‌ها، اعیان‌شناسی (ابزار و اشیایی که ابزار می‌سازند)، باورها، معرفت‌ها، احساسات، طرز تلقی و ارزش‌هاست که به استفاده از نمادها وابسته است. وایت پدیدهٔ فرهنگ را به سه نظام فناورانه، جامعه‌شناسی، مذهبی تقسیم می‌کند.

د- فرهنگ از دیدگاه اسلام:

فرهنگ اسلامی بر دو پایهٔ اساسی استوار است: اول، کرامت ذاتی و حیثیت انسان‌ها، که خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«و لقد کرّمنا بنی آدم»: به درستی که ما تمامی فرزندان آدم را دارای کرامت دانستیم (سورهٔ اسراء، آیه ۷).

دوم، مردود دانستن روابط قبیله‌ای و نفی ارجحیت‌هایی از قبیل نژاد، قبیله، رنگ، جنسیت، سرزمین و جامعهٔ خاص، که خداوند در ای باره می‌فرماید: «یا ایّها الناس انا خلقناکم من نکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا»: ای انسان‌ها ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را در قالب ملت‌ها و قبایل مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را باز شناسانید (سورهٔ حجرات، آیه ۱۳). بر این اساس ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی و قومی میان مردمان جهان، اصل تبعیض نژادی و حقوق برتر اقدام برگزیده منتفی می‌باشد.

با مقایسه و استنباط مفهومی از تعریف‌های انجام شده از فرهنگ در دیدگاه‌های مختلف، مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی را می‌توان مؤلفه‌های «دین، وحدت ملی و هویت ملی» بیان کرد. (رجوع شود به یافته‌ها و نتیجه نهایی تحقیق).

۱- دین: مجموعه‌ای از اندیشه‌ها دربارهٔ جامعه و یا حکومت است که با گذشت زمان بر اثر کثرت استعمال به صورت اعتقاد مسلم و وجه مشخص گروه و یا حزبی خاص در می‌آید؛ به بیان دقیق‌تر دین عبارت است از: نظام فکری و عقیدتی که قابل اعمال بر واقعیت‌های خارجی است (قوام، ۱۳۷۰: ۶۹).

ریمون آرون<sup>۲</sup> در کتاب افیون روشنگران، دین را مرکب از مجموعه‌ای از وقایع، که ظاهراً تحت نظام و سیستم درآمده و به آن تفاسیر، آرمان‌ها و پیشگویی‌هایی اضافه شده، تعریف کرده است.

هوشنگ مقتدر، دین را «مجموعه‌ای از اندیشه‌ها دربارهٔ زندگی، جامعه یا حکومت، که از شعارهای اجتماعی، سیاسی یا مذهبی که نسبت به آن اعتقادی تعصب‌آمیز موجود است، مایه می‌گیرد و با استفادهٔ مستمر و موعظهٔ دایمی به تدریج به صورت اعتقاد مسلم منجر و وجه مشخصه گروه، حزب یا ملتی در می‌آید.» تعریف کرده است (مقتدر، ۱۳۷۰: ۹۳).

**شهید آیت‌ا... مرتضی مطهری معتقد است:** دین یا مکتب «فلسفه زندگی»، انتخابی آگاهانه و آرمان خیز مجهز به منطق است که بشر را وحدت می‌بخشد و آرمان مشترک می‌دهد و ملاک خیر و شر و باید و نباید برایش می‌گردد (مطهری، ۱۳۵۹: ۴۵).

در این تحقیق با عنایت به بینش اسلامی، «یکتاپرستی و حاکمیت الهی» به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های دین اسلام ملاک عمل قرار گرفته است. منظور از یکتاپرستی، وحدانیت و پرستش خدای یگانه، و منظور از حاکمیت الهی، فرمانروایی خداوند بر جهان است.

**۲- وحدت ملی:** وحدت ملی عبارت است از: «چگونگی واکنش مردم در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور» (روشندل، ۱۳۷۴: ۸۱); به عبارت دیگر، «هم‌سویی و وفاق همه آحاد بر آن چه مورد قبول همه است» (فاضلی، ۱۳۸۱: ۱۱۷) و مهم‌ترین شاخص‌های وحدت ملی عبارت‌اند از:

**الف- وفاق اجتماعی:** منظور از وفاق اجتماعی یعنی اجماع شهروندان بر سر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک (نیک‌گوهر، ۱۳۶۹: ۳۶۹) و یا به عبارت دیگر توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی می‌باشد (چلپی، ۱۳۷۳: ۱۷).

**ب- بسیج عمومی:** منظور از بسیج عمومی، مسلح کردن افراد کشور بدون انضمام ایشان به ارتش منظم، به منظور دفاع در مقابل خطر خارجی و یا به عبارت دیگر توسعه و تقویت توان رزمی کشور از طریق ایجاد و تشکیل سازمان‌های جدید و افزایش پرسنل (کارکنان) نظامی علاوه بر نیروهای نظامی موجود و پرسنل (کارکنان) احتیاط و بسیج منابع ملی برای تأمین نیازهای ناشی از جنگ یا شرایط اضطراری کشور می‌باشد (بخشی، ۱۳۷۹: ۲۳۲).

**۳- هویت ملی:** هویت، بیانگر چه کسی بودن است که از احتیاج بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی ناشی می‌شود. سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی و هنر مشترک از جمله عناصر تشکیل‌دهنده هویت شمرده می‌شوند (آقا بخشی و دیگران، ۱۳۷۹: ۲۶۵).

مهم‌ترین شاخص‌های هویت ملی عبارت‌اند از:

**الف- تمامیت ارضی:** منظور از تثبیت مرزهای جغرافیایی یک کشور و یا به بیان دیگر تمامیت ارضی به این معنی است که هیچ‌گاه نباید پاره‌ای از کشور یا وطن جدا شود (آقا بخشی و دیگران، ۱۳۷۹: ۵۸۱).

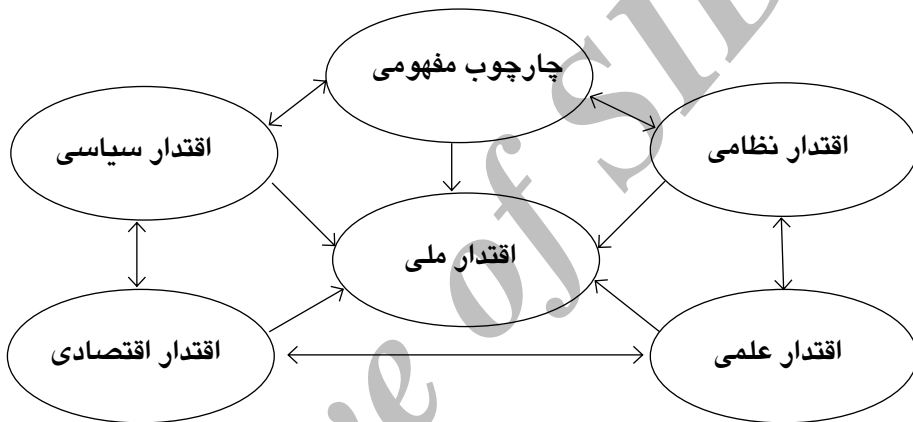
**ب- تاریخ:** تاریخ، سرگذشت یا سلسله اعمال، وقایع و حوادث قابل ذکر است که به ترتیب از منته تنظیم شده باشد (معین، ۱۳۷۷: ۱۰۰۱). تاریخ جهان مادی یا گذشته زنده بشری را تصویر می‌کند.

**ج- قانون:** قانون جلوه‌گر اعتقادات و هنجارهای مورد قبول یک ملت است و با توجه به اختلاف نظر در منشأ آن مبین هویت و باورهای ملت‌ها می‌باشد. قانون با به رسمیت شناختن مفاهیم و مناسبات خاص و تعیین ضمانت اجرای مناسب در کنار سایر عوامل و

نیروهای اجتماعی، رسماً از برخی مناسبات حمایت کرده و در تثبیت و نهادینگی آن تلاش می‌کند. قانون‌گذاری یکی از راه‌های تثبیت امور فرهنگی است (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۹).

### چارچوب مفهومی

با جمع‌بندی و استفاده از نظریات و دیدگاه‌های مختلف نتیجه‌گیری می‌شود که اقتدار ملی برآیند و حاصل اقتدار فرهنگی، نظامی، علمی، اقتصادی و سیاسی است و می‌توان مدل زیر را در این خصوص ارائه کرد:



### روش اجرای تحقیق

#### ۱. نوع تحقیق

تحقیق مورد نظر از نوع کاربردی است. تحقیق کاربردی در جست‌وجوی دستیابی به هدف عملی است (دلاور، ۱۳۸۳: ۴۹). این تحقیق به نتایج عملی مشخص دست یافته است.

#### ۲- از لحاظ روش جمع‌آوری داده‌ها:

تحقیق مورد نظر از نوع کتابخانه‌ای یا اسنادی است؛ زیرا داده‌های مورد نظر اغلب از طریق کتب، اسناد مدارک جمع‌آوری شده است.

#### ۲. روش تحقیق

روش تحقیق مورد نظر توصیفی است. تحقیق توصیفی به منظور توضیح منظم، عینی و دقیق وقایع و خصوصیات وقایع و خصوصیات جامعه مورد نظر یا موضوع مورد علاقه صورت می‌گیرد. (ایزاک و دیگران، ۱۳۷۴: ۵۷). در این روش محقق آنچه هست، گزارش و ارائه می‌دهد. مطالعه و توصیف نقش و وظایف، بخشی از انواع توصیف است که در این روش مد نظر قرار می‌گیرد.

### ۳. روش جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز تحقیق مزبور از اسناد، مدارک، کتاب‌ها، ترجمه و ... استخراج و جمع‌آوری شده است. برای کنترل و تعیین روایی مطالب جمع‌آوری شده از اسناد و در صورت نیاز از نظریات خبرگان نیز استفاده شده است (برای توضیح بیشتر رجوع شود به یافته‌ها و نتیجه نهایی تحقیق).

### ۴. تکنیک پاسخ به سؤالات

در پاسخ به سؤال اول تحقیق، پس از احصا و تعیین مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی و شاخص‌ها با استفاده از اسناد و توجه به وظایف نیروهای مسلح در این زمینه، نظریات خبرگان هم اخذ شده و پس از آن نظریه اکثریت ملاک عمل قرار گرفته است.

در پاسخ به سؤال دوم تحقیق مبنی بر نقش نیروهای مسلح در رابطه با مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی از تکنیک یا روش تحلیل محتوا استفاده شده است. به عقیده برلسون<sup>۱</sup>، تحلیل محتوا نوعی تکنیک پژوهش است که برای توصیف عینی، منظم و تا آن جا که ممکن است کمی محتوای ارتباطات با هدف نهایی تفسیر داده‌ها به کار می‌رود (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۸۰)؛ به عبارت دیگر تحلیل محتوا شناخت و برجسته‌کردن محورها یا خطوط اصلی یک متن یا متون مکتوب یا مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها، سلسله تصاویر، نوارها، وصیت‌نامه‌های خصوصی، پرسش‌ها، پرسشنامه و ... است و مراحل اجرای تحلیل محتوا عبارت‌اند از: بیان مسئله، انتخاب منابع، تعاریف عملیاتی، پایایی، کدگذاری و پردازش داده‌ها می‌باشد (دلاور، ۱۳۸۳: ۲۸۰).

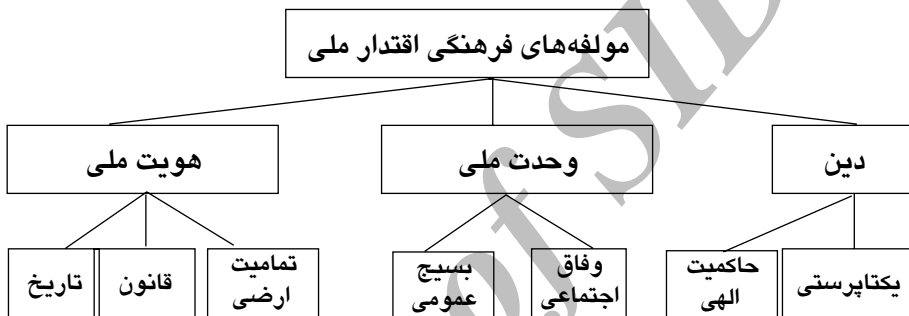
### یافته‌ها و نتیجه نهایی تحقیق

در پاسخ به سؤال اول، مبنی بر تعیین مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی، پس از احصا و تعیین این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها با استفاده از اسناد و توجه به وظایف نیروهای مسلح در این زمینه، نتایج حاصله به بیست نفر از محققان و صاحب‌نظران مربوط ارائه شده و تغییرات پیشنهادی اکثریت آن‌ها اعمال و مجدداً نتیجه به آن‌ها ارائه گردید که غالباً مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر را پذیرفتند. به طوری که مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی «دین، وحدت ملی و هویت ملی» تعیین شد. شاخص‌های مؤلفه دین با گرایش و بینش اسلامی «یکتاپرستی و حاکمیت الهی»، مؤلفه وحدت ملی «وفاق اجتماعی و بسیج عمومی» و مؤلفه هویت ملی «تمامیت ارضی، تاریخ و قانون» تعیین گردید.

در پاسخ به سؤال دوم مبنی بر تبیین نقش نیروهای مسلح در رابطه با مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی از تکنیک تحلیل محتوا، که از روش‌های دقیق مطالعه اسنادی است، استفاده شده است. این تکنیک در مراحلی که به شرح زیر اجرا شده است (دلاور، ۱۳۸۳: ۲۸۰).

### ۱. بیان مسئله

مسئله این تحقیق بررسی مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در آن است که در این رابطه سؤال زیر مطرح می‌باشد:  
نقش نیروهای مسلح در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی چیست؟  
لذا هدف از استفاده تکنیک تحلیل محتوا، پاسخ به سؤال فوق است که شمای آن به شکل زیر است:



### ۲. انتخاب منابع

با توجه به تعریف نقش به معنای وظایف، مهم‌ترین منابع قابل استناد مرتبط به مسئله تحقیق عبارت‌اند از:

الف - قانون اساسی؛

ب - قانون تشکیل نیروهای مسلح.

۳. تعاریف عملیاتی

تعاریف عملیاتی شامل تعیین تعداد طبقات و انتخاب واحد تجزیه و تحلیل به شرح

زیر است:

الف- طبقات

با استفاده از نتایج حاصله از روش اسنادی در تعیین مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی (سؤال اول)، سه طبقه جامع و فراگیر تعیین شد. به نحوی که تمام واحدهای مورد بررسی در طبقه مناسب خود قرار گرفته‌اند و از تداخل آن‌ها جلوگیری شده است. این طبقات عبارت‌اند از:

دین، وحدت ملی و هویت ملی.

ب- واحد تجزیه و تحلیل

با استفاده از روش اسنادی، واژه‌های مورد نظر (واحدهای تجزیه و تحلیل) در هر یک از طبقات به شرح زیر تعیین شده‌اند:

۱) دین شامل یکتاپرستی و حاکمیت الهی؛

۲) وحدت ملی شامل وفاق اجتماعی و بسیج عمومی؛

۳) هویت ملی شامل تمامیت ارضی، تاریخ و قانون.

#### ج- کدگذاری

واحدهای تجزیه و تحلیل به شرح زیر کدگذاری شده‌اند:

- ۱) یکتاپرستی؛
- ۲) حاکمیت الهی؛
- ۳) وفاق ملی؛
- ۴) بسیج عمومی؛
- ۵) تمامیت ارضی؛
- ۶) تاریخ؛
- ۷) قانون.

گفتنی است کدها براساس میزان فراوانی محاسبه شده‌اند و برای تبدیل واحدهای کیفی (کدها یا واحد تحلیل) به واحدهای کمی ما به ازای عددهای هر کد (+۱) محسوب گردیده است.

#### ۴. پایایی کدگذاری

با توجه به این که کدگذار منابع مورد نظر یک نفر بود، نیازی به پایایی کدگذاری نبود.

#### ۵. پردازش داده‌ها

برای پردازش داده‌ها ابتدا مهم‌ترین نقش نیروهای مسلح در قانون اساسی و قانون تشکیل آن‌ها ذکر شده است، سپس جدول داده‌ها بر اساس مراحل تکنیک تحلیل محتوا ترسیم و بعد نتایج حاصله بیان گردیده است. در پایان، جدول کلی نقش نیروهای مسلح در مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی ارائه گردیده است.

نتایج نهایی حاصله از جدول داده‌ها حاکی است:

##### ۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

الف- نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی براساس قانون اساسی در مؤلفه دین در شاخص‌های یکتاپرستی و حاکمیت الهی و در مؤلفه هویت ملی در شاخص تمامیت ارضی می‌باشد.

ب- نقش سپاه پاسداران اسلامی در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی طبق اساسنامه آن، سپاه در مؤلفه دین در شاخص‌های یکتاپرستی و حاکمیت الهی و در مؤلفه وحدت ملی در شاخص بسیج عمومی است.

ج- مهم‌ترین نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی براساس قانون اساسی و اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در مؤلفه دین در شاخص‌های یکتاپرستی و حاکمیت الهی است.

## ۲. ارتش جمهوری اسلامی ایران

الف - نقش ارتش در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی براساس قانون اساسی در مؤلفه دین در شاخص‌های یکتاپرستی و حاکمیت الهی و در مؤلفه هویت ملی در شاخص تمامیت ارضی است.

ب- نقش ارتش در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی طبق قانون ارتش در مؤلفه هویت ملی در شاخص تمامیت ارضی می‌باشد.

ج- مهم‌ترین نقش ارتش در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی بر اساس قانون اساسی و قانون ارتش در مؤلفه هویت ملی در شاخص تمامیت ارضی می‌باشد.

## ۳. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران در اقتدار ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشخص شده است، لیکن درباره نقش نیروی انتظامی در اقتدار ملی در این قانون سخنی به میان نیامده است. به استناد قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران هدف از تشکیل این نیرو «استقرار نظم و امنیت تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است و در مأموریت‌ها و وظایف این نیرو مجدداً بر «استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی» تأکید شده است. لذا براساس شاخص‌های مؤلفه‌های اقتدار ملی می‌توان چنین استنباط کرد که نیروی انتظامی در مؤلفه دین در شاخص حاکمیت الهی (نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی) و در مؤلفه هویت ملی در شاخص قانون (استقرار نظم و امنیت) نقش دارد.

در نتیجه مهم‌ترین نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی، نقش در مؤلفه دین می‌باشد و مهم‌ترین نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی نقش در مؤلفه هویت ملی و نقش نیروی انتظامی جمهوری اسلامی نیز در مؤلفه هویت ملی استنباط می‌شود.

## پیشنهادها

با اجرای تحقیق مورد نظر مهم‌ترین نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی انتظامی در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی با استناد به قانون اساسی و قوانین تشکیل این نیروها با بهره‌برداری از تکنیک تحلیل محتوا مشخص شد. اینک پیشنهاد می‌گردد برای این تداوم و بهره‌برداری از این موضوع مهم مطرح شده ابتدا نحوه و میزان ایفای نقش نیروهای مسلح در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی از طریق اجرای تحقیق علمی تعیین (موضوعات ردیف‌های ۱، ۲ و ۳) و سپس موضوعات مشروح زیر مستقلاً و یا تلفیقی از آن‌ها به صورت عناوین تحقیقات تعریف و اجرا شود:

- ۱- نحوه ایفای نقش تعیین شده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی؛
- ۲- نحوه ایفای نقش تعیین شده ارتش جمهوری اسلامی ایران در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی،
- ۳- نحوه ایفای نقش تعیین شده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی؛
- ۴- نقش قدرت اقتصادی در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی؛
- ۵- نقش قدرت علمی و فناوری در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی؛
- ۶- نقش قدرت سیاسی درباره مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی؛
- ۷- نقش قدرت نظامی در خصوص مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی؛
- ۸- تعیین تعامل قدرت نظامی با سایر مؤلفه‌های اقتدار ملی.

### کتابنامه

- ۱- آشوری، داریوش (۱۳۵۷)؛ **تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ**، تهران: انتشارات مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- ۲- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)؛ **دانشنامه سیاسی**، تهران: انتشارات مروارید.
- ۳- آنتوان فیلیپ و دیگران (۱۳۸۰)؛ **انقلاب جهانی تکنولوژی**، تهران:
- ۴- آیور، مک (۱۳۴۴)؛ **جامعه و حکومت**؛ ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵- ادیبی، حسن (۱۳۳۵)؛ **زمینه‌شناسی**، تهران: انتشارات پیام.
- ۶- استفن ایزاک (۱۳۷۴)؛ **راهنمای جامع تحقیق و ارزیابی**؛ ترجمه مرضیه کریم‌پناه؛ چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۷- استیون لوکس (۱۳۷۲)؛ **خشونت و قدرت**؛ ترجمه بهنام جعفری؛ چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۸- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)؛ **اقتدار ملی**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات ساعس ناجا
- ۹- الیوت، تی اس (۱۳۶۹)؛ **درباره فرهنگ**؛ ترجمه حمید شاهرخ و فریده معزی؛ تهران: طلوع آزادی.
- ۱۰- بخشی، علی آقا (۱۳۷۹)؛ **فرهنگ سیاسی**؛ تهران: انتشارات خوارزمی.
- ۱۱- چلبی، مسعود (۱۳۷۳)؛ **وفاق اجتماعی؛ نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳؛ تهران: دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۲- دلاور، علی (۱۳۸۳)؛ **مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی**، تهران: انتشارات رشد.
- ۱۳- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)؛ **لغت‌نامه دهخدا**؛ جلد دوم؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



- ۱۴- روشن‌دل، جلیل (۱۳۷۴): امنیت ملی در نظام بین‌المللی؛ چاپ اول؛ تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶): روش‌های تحقیق در علوم رفتاری؛ چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۶- سلیمی، حسین (۱۳۷۹): فرهنگ‌گرایی جهانی شدن و حقوق بشر، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۱۷- عقیدتی سیاسی ناجا نگرشی بر تحولات سیاسی؛ تهران: سازمان چاپ و نشر عقیدتی سیاسی ناجا
- ۱۸- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶): فقه سیاسی؛ جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۹- فاضلی، خلیل‌الله، (۱۳۸۱): وحدت ملی؛ فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۵۶، تهران: دانشگاه امام حسین (ع)
- ۲۰- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۲۱- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۲۲- قانون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران
- ۲۳- قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی
- ۲۴- قرآن مجید
- ۲۵- قربانی، فرج‌الله، (۱۳۷۵): مجموعه کامل قوانین و مقررات نیروهای مسلح و خدمت وظیفه عمومی، تهران: انتشارات فردوسی.
- ۲۶- قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۰): اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۷- معین، محمد (۱۳۷۱): فرهنگ فارسی؛ جلد اول، چاپ هشتم؛ تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۲۸- مطهرنیا، مهدی (۱۳۷۸): تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل؛ چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲۹- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹): مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۰- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۰): سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران: مؤسسه خدماتی مفرس.
- ۳۱- نوروزی، محمدجواد (۱۳۷۹): نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۳۲- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹): مبانی جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.